



نقد ادبی

با رویکرد اسطوره‌شناخته

مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی نقد ادبی



به کوشش: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

نقد ادبی با رویکرد اسطوره‌شناختی





Paper from well managed forests
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

-
- سرشناسه: ————— همایش ملی نقد ادبی (پنجمین : ۱۳۹۵ : تهران)
- عنوان و نام پدیدآور: ————— نقد ادبی با رویکرد اسطوره‌شناختی: مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی نقد ادبی/ به کوشش ابوالقاسم اسماعیل‌پور.
- مشخصات نشر: ————— تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری: ————— ۶۱۸ ص.
- شابک: ————— ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۳۶-۰۵-۴
- وضعیت فهرست نویسی: ————— فیبا
- یادداشت: ————— کتابخانه.
- عنوان دیگر: ————— مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی نقد ادبی.
- موضوع: ————— نقد ادبی -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
- موضوع: ————— Literary criticism -- Iran -- Addresses, essays, lectures
- موضوع: ————— اسطوره‌شناسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
- موضوع: ————— Mythology -- Addresses, essays, lectures
- شناسه افزوده: ————— اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، ۱۳۳۲ -، گردآورنده
- شناسه افزوده: ————— Esmailpour, Abolghasem
- رده‌بندی کنگره: ————— PIR۳۳۴۲/۵۸۴ ۱۳۹۵
- رده‌بندی دیویی: ————— ۸۱۵-۰/۹
- شماره کتابشناسی ملی: ————— ۵۱۴۱۴۴۲
-

نقد ادبی

با رویکرد

اسطوره شناسی

مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی نقد ادبی

به کوشش: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور



نقد ادبی با رویکرد اسطوره‌شناختی	نام کتاب:
ابوالقاسم اسماعیل پور	به‌کوشش:
میثم محمدی	ویراستار:
دانشگاه شهید بهشتی و انجمن علمی نقد ادبی ایران	با همکاری:
مجید شمس‌الدین	طرح جلد و صفحه‌آرایی:
سراج / مجتمع چاپ رضوی	لیتوگرافی، چاپ و صحافی:
اول ۱۳۹۷ / ۳۰۰ نسخه	چاپ / شمارگان:
۵۵۰۰۰ تومان	قیمت:
۹۷۸-۶۲۲-۶۰۳۶-۰۵-۴	شابک:

کلیه حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.ir | www.khamooshpub.com | @khamooshpubch

تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی برداری، برداشت و اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر، منوط به اجازه کپی ناشی باشد.

مرکز پخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، بن بست مبین، شماره ۴

تلفن: ۰۶۶۴۰۸۶۴۰-۰۹۹-۶۶۴۶۰۰

فروشگاه: کتابفروشی توس، خیابان انقلاب، نبش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸

تلفن: ۰۶۶۴۶۱۰۰۷

فهرست

پیش‌گفتار دبیر علمی همایش.....	۹
سخنرانی رئیس انجمن نقد ادبی ایران.....	۱۳
مریم حسینی	
مقدمه‌ای بر تبیین اسطوره‌های بنیان‌گذار شهر مدرن از برج بابل تا دون ژوانی.....	۲۴
ناصر فکوهی	
بازنمایی بدن در روایت گیومرتن: یک بازخوانی نورومیتولوژیک.....	۴۱
عبدالرضا ناصر مقدسی	
مفهوم اسطوره‌ای تمنای بهشت در تکوین شخصیت قهرمان بررسی موردی نمایشنامه	
اینجا کجاست؟ اثر نغمه ثمنی.....	۵۰
شیوا مسعودی، بهروز محمودی بختیاری	
نقد اسطوره‌شناختی شعر «الرأس والنهر» سروده آدونیس.....	۶۴
حجت رسولی، شلیر احمدی	
نمادها و اسطوره‌های گیاهی در شعر معاصر فارسی و عربی (با بررسی موردی اشعار	
اخوان، شاملو، شفیعی کدکنی، سیاب، حاوی و ادونیس).....	۸۸
لیلی نادری، عبدالحسین فرزاد، سید ابراهیم آرمن	

- ۱۰۹ بررسی پیگمالیون و مدوز (اسطوره‌های دگردیسی) در ادبیات معاصر فرانسه
آزاده حکمی، دانیال بسنج
- ۱۲۵ بررسی چگونگی تأثیر خویشکاری‌های مَلْمُوبَرْتَه ایزده
سارا حاجی‌نژاد
- نقد اسطوره‌ای ماهی سیاه کوچولو براساس ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر
دوران ۱۴۰
صدف گلمرادی
- ۱۵۷ موجودات وهمی اساطیری در فرهنگ عامه هرمزگان
فاطمه مدرسی، سهراب سعیدی
- ۱۷۹ بررسی تشرف در هدیه‌ای به گورگون: خوانش کمبلی
فاطمه میرزایی ارجمند، مرضیه لهراسبی
- تطبیق مؤلفه‌های ساختاری اسطوره سیایش با بین - گیائو و سودابه با سو - دا - گی از
چین ۱۹۶
فرشته محبوب
- دو روایت آخرزمانی دین زردشتی ۲۱۸
مجید پوراحمد
- اسطوره‌کاوی ژیلبر دوران (پیکره مطالعاتی: کتاب در انتظار ترس اثر آغوز آتای) ... ۲۳۸
محدثه ابراهیمی، بهمن نامور مطلق، بهروز عوض‌پور
- ضحاک و مینوتور: بررسی خاستگاه دو داستان اسطوره‌ای همسان از شاهنامه و حیات
مردان نامی ۲۶۴
مینا اعلایی
- تحلیل نمادهای اسطوره‌ای شعر پایداری ایران با محوریت اشعار احمد شاملو ۲۸۴
حسین فیروزی، ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق، عباسعلی وفایی
- «میرنوروزی» در مرزبان‌نامه ۳۱۲
فرانک جهانگرد، سمانه کشاورز دهنوی
- نمادپردازی در اسطوره سیایش ۳۳۴
آزاده حیدرپور

- بازخوانی برون‌همسری در حماسه‌های ملی ایران از دو منظر نظریهٔ تقابل‌های دوگانهٔ کلود
لوی-استروس و ناخودآگاه جمعی یونگ ۳۵۴
رضا ستاری، مرضیه حقیقی
- نقد کهن نمونه‌ای نمایشنامهٔ برای سه اتاق و یک پشت بام (خانه) ۳۷۹
مریم نوری، مریم حسینی
- بررسی قهرمانان اسطوره‌ای نسل جدید و بازتاب آنها در سه رمان معاصر ۴۰۶
قدرت‌الله طاهری، مرجان رزازیان

پیش‌گفتار دبیر علمی همایش

بی‌گمان ادبیات کهن ما بهره‌مند از بُن‌مایه‌های زیبای تمثیلی، نمادین و اساطیری است. سراسر ادبیات کهن ما، چه ادبیات پیش از اسلام - اعم از ادبیات زرتشتی، مانوی، زروانی، میتراپی - و چه ادبیات دوره اسلامی سرشار از این مضامین شگرف است.

در آثار کلاسیک غرب نیز می‌توان جای پای اسطوره را مشاهده کرد. در تراژدی‌های یونان مقوله‌ای نیست که زمینه اساطیری نداشته باشد یا به نوعی از اسطوره‌ها الهام نگرفته باشد. در تراژدی‌های سوفوکل، اورپید، ایسوخولوس، حتی در تراژدی‌های شکسپیر که در عنصری متأخر آفریده شده، جای پای اسطوره را می‌توان دید. حماسه‌های کهن مثل *ایلیاد* و *ادیسه* هومر که جای خود دارد و تأثیر شگرف اساطیر یونانی را نشان می‌دهد.

رمانتیک‌ها بیشترین بهره را از اسطوره‌ها بردند، هم از اسطوره‌های مسیحی و هم از اسطوره‌های شرقی و هندی بهره گرفتند. اسطوره‌های هند و ایرانی از اواخر قرن هیجده مسیحی، یعنی از همان روزگار رشد رمانتیسم و آغاز انقلاب کبیر فرانسه کم‌کم به زبان‌های غربی ترجمه شد. ما در عصر جدید، در پی رویکرد و توجه ایران شناسان غربی به اسطوره‌ها، کم‌کم به ترجمه و تألیف آثار اسطوره‌شناختی رو آوردیم. از سویی، اسطوره و شعر پیوندی ژرف و چند هزار ساله دارند. کهن‌ترین جلوه این پیوند را در حماسه اساطیری گیل گمش می‌بینیم که مربوط به حدود سه هزار سال

پیش از میلاد است و بر دیوارهای شهر اوروک در سومر باستان نوشته شده است. تاثیرپذیری از اساطیر در دوره سمبولیسم به اوج می‌رسد. چون زبان و بیان اسطوره روایتی نمادین است. پس، داستان نمادین با اسطوره پیوند می‌خورد و هر دو در یک مقطع به وحدت می‌رسند.

اسطوره در جهان معاصر بسیار اهمیت دارد. اسطوره همیشه زنده است و کارکرد اجتماعی دارد، اما شکل کارکردی‌اش تغییر می‌یابد. رمان‌های نمادین قرن حاضر در واقع اسطوره‌های عصر ما هستند. این که گفته شده اساطیر امروز فقط مربوط به اقوام بدوی است، از بُعد پدیدار شناختی است. یعنی حتی امروز هم اسطوره‌های قدسی و مینوی در میان سرخپوستان، اقوام دور افتاده هند و بومیان استرالیا و زلاند نو زنده است و کارکرد دارد. در جامعه مدرن و پسا مدرن هم به صورت آثار هنری جلوه گراست. تندیس‌های شگفت آور و خیال‌انگیز پیکاسو در شمار اسطوره‌های عصر حاضر است.

یوف کورهدایت را از دیدگاه اسطوره شناختی می‌توان تحلیل کرد. این رمان شگرف در شمار محدود آثاری است که نمادپردازی و اسطوره‌پردازی قدرتمند دارند. نقد کهن‌نمونه‌ای نوعی نظریه انتقادی است که با تمرکز بر بررسی و تحلیل اسطوره‌ها و کهن‌نمونه‌ها، تفسیرگر آثار هنری است. برای تفسیر از نمادها، ایماژها و انواع شخصیت در آثار هنری بهره می‌جوید.

از جمله مزایای دیدگاه نقد اسطوره‌ای، کهن‌نمونه‌ای و نمادین آن است که این دیدگاه، چشم‌اندازی جهانی برای ادبیات فراهم می‌آورد و استدلال می‌کند که چرا ادبیاتی خاص از آزمون دشوار زمان می‌گذرد و باقی می‌ماند و با آثاری سروکار دارد که نمادین و رمزی‌اند.

بنا به اهمیت دیدگاه نقد اسطوره شناختی پنجمین همایش نقد ادبی نیز با این رویکرد ویژه شکل گرفت. پس از فراخوان همایش بیش از صد مقاله به دبیرخانه همایش رسید. از میان مقاله‌ها اعضای محترم شورای علمی همایش شماری از مقالات را برای ارائه در همایش و شماری را برای ویژه نامه مجله علمی پژوهشی نقد

ادبی و شماری را برای چاپ در مجموعه مقالات همایش برگزیدند. آشکار است که بعضی مقالات فقط برای ارائه به صورت پوستری پذیرفته شدند و بعضی مقالات مورد پذیرش قرار نگرفتند.

از دستاوردهای این همایش، چاپ کتابشناسی مطالعات اسطوره‌شناسی است که به کوشش خانم دکتر مریم حسینی و زهرا عامری و رقیه وهابی دریاکناری انجام گرفته است. همچنین چکیده مقالات نیز به چاپ رسید.

در اینجا بایسته است که از همه اعضای محترم شورای علمی همایش و اعضای محترم انجمن علمی نقد ادبی بویژه از سرکار خانم دکتر مریم حسینی، رئیس محترم انجمن و آقای دکتر حسن ذوالفقاری به پاس یآوری‌های بی‌شائبه‌شان سپاسگزاری کنم.

از آقای میثم محمدی که با شکیبایی ویرایش مقالات را برعهده گرفت و دیگر کارشناسان معاونت پژوهشی به‌ویژه از خانم مریم مرنندی سپاسگزارم.

ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق

معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دبیر علمی همایش

شهریور ۱۳۹۶

سخنرانی رئیس انجمن نقد ادبی ایران

مریم حسینی^۱

خانم‌ها، آقایان، استادان، پژوهشگران و دانشجویان عزیز، درود بر شما حضور شما را در پنجمین همایش نقد ادبی ایران گرامی می‌دارم و آرزومندم در طی این دو روز اوقات ارزشمندی را در کنار یکدیگر تجربه کنیم. پیش از این انجمن نقد ادبی ایران چهار همایش ملی را با همکاری دیگر مراکز علمی کشور برگزار کرده است. همایش نقد ادبی در دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۹، همایش نشانه‌شناسی ادبیات در دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۹۱، همایش نظریه و نقد ادبی در پژوهشگاه علوم انسانی ۱۳۹۲ و همایش گفتمان‌شناسی نقد ادبی در دانشگاه گیلان ۱۳۹۴ برگزار شد. امسال (۱۳۹۵) برگزاری همایش نقد ادبی با رویکرد اسطوره‌شناسی و نقد اسطوره‌ای با همیاری همکاران ارجمند دانشگاه شهید بهشتی برگزار می‌شود.

بر خود لازم می‌دانم در همین جا از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر احمد خاتمی، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی و جناب آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، دبیر علمی همایش و آقای دکتر قدرت‌اله طاهری، دبیر اجرایی و دیگر همکاران که در برپایی چنین محفل باشکوهی همکاری کردند، سپاسگزاری کنم. همچنین این همایش افتخار دارد تا از یکی از استادان بزرگ عرصه نقد ادبی جناب آقای دکتر بهرام مقدادی تجلیل کند.

به جهت پیش‌درآمدی بر آغاز سخنرانی‌های علمی مطالبی درباره نقش اساطیر در مکاتب ادبی در ادامه سخن در اینجا مطالبی عرضه می‌کنم.

اساطیر در طول تاریخ بشر همواره همراه او بوده‌اند و در دوران نخستین حضور انسان بر این کره خاک، قصه‌های اسطوره‌ای حضور او را معنا بخشیده‌اند. نخستین پرسش‌های بشر در باب چونی و چگونگی و چرایی حضور او بر صحنه هستی بود. انسان اسطوره‌ها را آفرید تا پاسخی برای پرسش‌هایش باشند. اسطوره‌ها از درون ضمیر خلاق و متخیل وی آفریده شدند تا انسان خلأ تنهایی خویش در جهان را با آنها پر کند و بتواند به یاری الهگان در برابر نیروهای سهمگین طبیعت مقاومت کند. اما اسطوره‌ها در دوران فلسفه نیز به زیست خود ادامه دادند و در دوران دانش نیز وی را رها نکردند. به نظر می‌رسید با ظهور انسان جدید در عصر روشنگری عرصه بر اساطیر تنگ شود اما آنها اگر از یک در رانده شدند از دری دیگر راه یافتند و همواره رفیق شفیق آدمی بودند. اگر در دوران گذشته پاسخگوی پرسش‌های فلسفی و دانشی وی بودند، در دوران جدید در هنر تجلی کردند و ارج و ارزش گذشته خود را بازیافتند. ریچاردز از منتقدان برجسته انگلیسی معتقد است که: «آدمی بدون اساطیر بیش از جانوری سبع نیست.» (ولک، ۱۳۸۸، ج ۳۰۹/۶)

مطالعه مکتب‌های ادبی جدید از دوران نوکلاسیک‌ها تا دوران پسامدرن نشانگر حضور بی‌چون و چرای اساطیر در تمامی دوران است هرچند در برخی مکتب‌ها اساطیر به اوج حضور خود رسیده‌اند و در برخی دیگر در حلیض دوران بوده‌اند.

در دوران نوکلاسیسیسم بسیاری از تراژدی‌های اسطوره‌ای دوران کهن بازنویسی و اجرا شد. نوکلاسیک‌ها با بازگشت به دوران یونان و روم باستان بسیاری از آثار این دوران را که سرشار از اسطوره‌ها بودند بازنویسی کردند. اساطیر باستان و مسیحی از لوازم حماسه و تراژدی نوکلاسیکی بودند.

در دوره‌ی کلاسیک تراژدی‌های بزرگ یونان و روم کهن مورد توجه نمایشنامه نویسان بزرگی چون راسین (۱۶۳۹-۱۶۹۹)، کورنی (۱۶۰۹-۱۶۸۴) و غیره قرار گرفت و آثاری چون *ایفی ژنی*، *فدر*، *آندروماک*، *ادیپ شاه*، *آشیل* و *پرومته* که در بردارنده

اسطوره‌های بسیار بودند بارها به صورت‌های مختلف منتشر شد. مثلاً راسین در فرانسه با نوشتن نمایشنامه‌های ایفی ژنی و آندروماک که پیش از این اورپید آنها را به نگارش درآورده بود سنت روایت اساطیری را احیا کرد. کورنی اودیپ اثر سوفوکل را بازخوانی کرد و لافونتن (۱۶۹۵-۱۶۲۱)، از تمامی اسطوره‌ها و افسانه‌های شرق و غرب برای نگارش داستان‌هایش استفاده کرد.

از منتقدان دوره کلاسیک ساموئل جانسون (۱۷۸۴-۱۷۰۹) به تقبیح اساطیر پرداخت. وی کلیه موجودات رمزی و تمثیلی روایت‌های داستانی پرومته در زنجیر و بهشت گمشده میلتن را مهمل می‌شمرد (ولک، ۱۳۸۸، ج ۱/۱۲۸)، اما جووانی باتیستو ویکو (۱۶۶۸-۱۷۴۴) در تعریف شعر آن را مبتنی بر قوه خیال و اسطوره می‌دانست و معتقد بود شاعران به اعصار قهرمانی و متقدم نوع بشر تعلق دارند. (همان، ۱۸۸) یوهان هامان آلمانی (۱۷۳۰-۱۷۸۸) نیز شعر را دین و اسطوره می‌دانست. (همان، ۲۴۰) به این ترتیب به نظر می‌رسد اسطوره‌ها پس از حضور در نمایشنامه‌ها به سوی دنیای شعر در حرکت بودند.

اسطوره در آثار رمانتیک‌ها معنایی فراتر از بازخوانی اساطیر کهن دارد. رمانتیک‌ها خود اسطوره‌های نو آفریدند و دست به آفرینش اسطوره زدند. بیشتر شاعران بزرگ رمانتیک اسطوره‌پرداز بودند و تلاش می‌کردند تا تفسیری اسطوره‌ای از جهان به دست دهند. اشتیاق رمانتیک‌ها به وحدت و یگانگی انسان با طبیعت، موجب شد تا اساطیر فعالانه به صحنه ادبیات وارد شوند. ویلهلم شلگل شاعر را اسطوره ساز می‌دانست (ولک ج ۲/۶۰) و ویلهلم شلگل در یکی از تصویری‌ترین رساله‌های نظری رمانتیسم آلمانی، رساله‌ی «جستاری بر اسطوره‌شناسی» (منتشر شده در سال ۱۸۰۰)، رؤیای جهانی اسطوره‌ای-بوطیقای و بی‌مرز را می‌پرواند که نه تنها از سنت‌های اروپایی ریشه می‌گیرد، که هم‌چنین پایی در «گنجینه‌های شرق» نیز دارد. (لووی، ۱۳۹۶) فردریک ویلهلم شلینگ (۱۸۵۴-۱۷۷۵) موضوع همه هنرها را اسطوره می‌دانست و اسطوره را نظامی نمادین که خود هنر است تعریف

می‌کرد (همان/۹۶) شلینگ به پیدایش اساطیر جدید دل بسته بود و هنرمند خلاق را کسی می‌دانست که نظام اساطیری خویش را بسازد. و ویلیام بلیک^۱ (۱۸۲۷-۱۷۵۷) نخستین شاعر بزرگ رمانتیک بود که اساطیر نوینی را به معنی دقیق و وسیع آن خلق کرد. برای مثال بلیک در شعر «آمریکا» توان و روحیه انقلابی خارق العاده ای در چهره Orc تجسم می‌بخشد که هم شبیه مسیح است و هم شبیه به پرومته و در عین حال سمبولی است برای عرضه روحیه میهن پرستان تحت سلطه استعمار. (جعفری، ۱۳۷۸، ۲۹۵)

رنه ولک در تاریخ نقد جدید درباره اسطوره در آثار یوهان ولفگانگ گوته (۱۸۳۲-۱۷۹۴) می‌نویسد که اسطوره‌ها و روایات تاریخی باستان و افسانه‌ها در کانون شعر گوته قرار دارند. درباره اهمیت اساطیر باستان در تمام شکل‌های آن برای اشعار خود گوته می‌توان گفت کافی است که دایره المعارف اساطیر باستان را در بخش دوم فاوست به یاد آوریم. (۱۳۸۸، ج ۱/ ۲۷۲-۲۷۳) پرومته از بند رسته پرسی شلی (۱۸۲۲-۱۷۹۲)، فرانکشتاین اثر مری ولستونکرافت شلی^۲ (۱۸۵۱-۱۷۹۷) از شخصیت‌های برجسته اساطیری این دوره هستند.

در سده نوزدهم با انتشار آثار علمی کسانی چون داروین، و رواج مکتب فلسفی پوزیتیویسم یا فلسفه تحقیقی آگوست کنت که علم بشر را مبتنی بر تجارب حتی و تلاش برای کشف مناسبات اشیا با یکدیگر می‌دانست، دریچه‌ای نوین بر واقعیت گشوده شد و نویسندگان شناخت دقیق‌تر و علمی‌تری از انسان و محیط او به دست آوردند. همین تأکید بر موفقیت‌های مادی، نظریه‌های گوناگون تکامل و جبر علمی و هواخواهی از روش علمی، وزنه تعادل را از ایدئالیسم به رئالیسم سوق داد.

رئالیسم، مکتبی عینی و بیرونی بود که بر بیان واقعیت‌های جامعه تأکید بسیار داشت و معتقد بود که آثار متکلفانه و دیرفهم مکتب‌های رمانتیسم و کلاسیسیسم راه به جایی نمی‌برد و برای نشان دادن تصویر درستی از جامعه باید زبانی بی‌پیرایه و ساده را برگزید. رئالیست‌ها زبان را پنجره‌ای شفاف برای دیدن واقعیت می‌پنداشتند

1. William Blake

2. Mary Wollstonecraft Shelley

که برای خواننده آشنا و تشخیص دادنی بود و با تجربیات زیسته خواننده مطابقت داشت. در دوره رئالیست‌ها کارکرد اساطیر افول کرد، اما خیلی زود با ظهور مکتب‌هایی چون سوررئالیسم و سمبولیسم دوباره به عرصه ادبیات راه یافت.

سمبولیست‌ها به دنبال آن بودند که بتوانند حالتی از آگاهی رؤیایگونه و کاملاً شخصی و انتزاعی را که به زبانی استعاری تکیه دارد، منتقل کنند. این جنبش ادبی به‌عنوان واکنشی بر ضد پوزیتیویسم که بر تفکر عقلانی برون‌گرایی و روش علمی تأکید داشت، به‌وجود آمد.

سمبولیسم واکنشی بر ضد دو مکتب رئالیسم و ناتورالیسم در ادبیات بود که پیروان‌شان در جستجوی آن بودند که جهان بیرونی و جامعه انسانی را از طریق توصیف واقعیت عینی ارائه دهند. نهضت سمبولیسم در برابر واقع‌گرایی صریح فلور و موبوسان بود. پیروان این مکتب اندیشه را معمولاً بیان نشدنی تلقی می‌کردند و به‌جای بیان صریح اندیشه‌ها در پی بیان مبهم و رازآمیز آن‌ها بودند.

رؤیا و تخیلی که پوزیتیویسم و رئالیسم می‌خواست آن را از ادبیات براند، دوباره با سمبولیسم وارد ادبیات شد. تعدادی از نویسندگان نمادگرا از داستان‌های عامیانه سنتی و داستان‌های افسانه‌ای در آثارشان (شعر، داستان و نمایشنامه) اقتباس کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال موريس مترلینگ^۱ (۱۹۴۹-۱۸۶۲) در نمایشنامه‌هایش همچون پلیاس و ملیزنده، از انواع متعددی از داستان‌های عامیانه رایج برای خلق نمایشنامه‌هایی با زمینه داستان‌های افسانه‌ای سنتی و ترسیم شخصیت‌هایی از ادبیات قومی کمک گرفته‌است.

در فرانسه اشعار شارل بودلر^۲ (۱۸۶۷-۱۸۲۱)، استفان مالارمه^۳ (۱۸۹۸-۱۸۴۲) و آرتور رمبو^۴ (۱۸۹۱-۱۸۵۴) که مهم‌ترین چهره‌های سمبولیست‌ها بودند سرشار از اسطوره‌ها بود. در مجموعه شعر گلهای شراب بودلر اشاراتی فراوان به اسطوره‌های کهن

1. Maurice Maeterlinck

2. Charles Baudelaire

3. Stéphane Mallarmé

4. Arthur Rimbaud

یافت می‌شود: در این مجموعه نام‌های شخصیت‌های اسطوره‌ای و یا اشاراتی به آنها یافت می‌شود. شخصیت‌هایی چون هرمس^۱، شاه میداس^۲، سیزیف^۳، ددال و پسرش ایکار^۴، سییل^۵، و داستان اودیسه و سیرسه و گل لوتوس^۶، پیلاد^۷؛ و الکترا^۸. (رک: بودلر، ۱۳۹۴: ۱۲۴-۱۲۵)

زیگموند فروید^۹ (۱۸۵۶-۱۹۳۹) خود از نام‌های شخصیت‌های اسطوره‌ای دوران کهن برای تبیین نظریات روانشناسی اش بهره برد. اودیپ و الکترا. کشف ضمیر ناخودآگاه و کهن الگوهای فردی و جمعی در قوت گرفتن حضور اسطوره‌ها در ذهن و ضمیر بشر تأثیر فراوان داشت. بنابراین عقیده یونگ اسطوره در ناخودآگاه جمعی نسل بشر جای دارد و شباهت میان اساطیر اقوام مختلف به خاطر آن است که همه ریشه‌ای مشترک و موروثی دارند.

ضمیر ناخودآگاه فردی و جمعی که پیشنهاد فروید و شاگردش کارل گوستاو یونگ بود به سبب پیوندش با مفهوم اسطوره مهم است. اعتقاد به اساطیر جمعی به نوعی موجب پدید آمدن سوررئالیسم شد. سوررئالیست‌هایی چون آندره برتون (۱۸۹۶-۱۹۶۶) و سالوادور دالی^{۱۰} (۱۹۰۳-۱۹۸۹) که افسانه‌ها و اساطیر مایه‌های اصلی اندیشه‌های

۱. ایزد تجارت و فصاحت در اساطیر یونانی.

۲. شاه فریگیه که صاحب قدرتی گردید که به هرچه دست می‌زد به طلا بدل می‌شد. اما متوجه شد که حتی غذا هم در دستانش طلا می‌شود. از این رو درخواست نمود که این قدرت از او سلب شود.

۳. طبق اسطوره شناسی یونانی سیزیف محکوم بود پیوسته سنگی را به بالای تپه ای ببرد. همین که سنگ به بالای تپه می‌رسید، دوباره به پایین می‌غلتید. و او می‌بایست دوباره آن را به جای اول بازگرداند.

۴. ددال برای رهایی خود و پسرش ایکار از زندان، بال‌های پرندگان را با موم به شانه‌های خود و فرزند می‌چسباند. او پسر را پند می‌دهد که نه به بلند آسمان اوج گیرد و نه نزدیک زمین پرواز کند. اما ایکار شیفته زیبایی چندان به آفتاب نزدیک می‌شود که موم بال‌هایش آب می‌شود و به دریا فرو می‌افتد.

۵. که اغلب او را مادر خدایان یا مادر بزرگ می‌خواندند. قدرت او در سراسر طبیعت نفوذ داشت و معرف نیروی رستنی‌ها بود.

۶. سیرسه زن افسونگری که همراهان اولیس را به جانوران بدل کرد. لوتوس هم میوه ای ست که وقتی همراهان اولیس از این میوه خوردند دیگر وطن خود را از یاد بردند.

۷. شخصیت اساطیری یونان نمونه یک دوست خوب و باوفا.

۸. مظهر مهر و شفقت زنانه.

آنان را در این سبک فراهم می‌کرد تحت تأثیر آرای فروید و دنباله روانش بودند. «در سال ۱۹۳۷، برتون برای نخستین بار در نوشتار «حدود، و نه مرزهایی برای سوررئالیسم» پیشنهاد داد که سوررئالیسم باید وظیفه‌ی «توصیف اسطوره‌ی جمعی زمانه‌ی ما» را برعهده گیرد؛ اسطوره‌ای که یک نقش هم‌زمان برانگیزاننده و سرکوب‌گرا، همانند نقشی که داستان‌های گوتیک در قرن هجدهم و درست پیش از انقلاب کبیر فرانسه ایفا کردند، برعهده خواهد داشت. برتون در «پیشگفتاری بر مانیفست سوم» می‌پرسد «تا چه حد می‌توانیم یک اسطوره را، در ارتباط با جامعه‌ای که مطلوب می‌دانیم‌اش، بپذیریم و بر آن جامعه تحمیل‌اش کنیم؟» همه‌چیز نشان‌گر آن است که برای برتون اسطوره و آرمان‌شهر جدایی‌ناپذیرند. (لووی، ۱۳۹۶) «اسطوره‌شناختی‌ترین» اثر خود برتون، «اکسیر ۱۷» نام دارد. برتون در این اثر اسطوره‌های ایزیس و اوزیریس را فرا می‌خواند و در همان حال تغییرشان می‌دهد؛ و نیز اسطوره‌ی ملوسین [دریاپری اروپایی]؛ اسطوره‌ی نوت، خدایانوی آسمان که چون کمانی بر فراز زمین طاق می‌زند؛ اسطوره‌ی تنجیمی هفدهمین کیمیاگرتاروت؛ اسطوره‌ی لوسیفر، فرشته‌ی آزادی؛ و فراتر از همه، آن‌گونه که برتون خود می‌نویسد «یکی از قدرتمندترین اساطیر که هم‌چنان مرا به هیجان می‌آورد»، عشق جنون‌آمیز، که در آن «توان نوزایی جهان خانه کرده است». (لووی، ۱۳۹۶)

در دوران مدرن فریدریش ویلهلم نیچه^۱ (۱۹۰۰-۱۸۴۴) و زیگموند فروید نیز در افزایش توجه به اسطوره سهم داشته‌اند. از نظر نویسندگانی مانند دبلیو بیتس، تی اس الیوت، و جیمز جویس اهمیت اسطوره منبعث از قدرت نظم‌آفرینی بود که بر اثر ناهماهنگی جامعه و فرهنگ مدرن از بین رفته بود و فقط هنر می‌توانست آن را دوباره به چنگ بیاورد.

کتاب *شاخه زرین* اثر جیمز فریزر (۱۸۸۵-۱۹۴۱) که تأثیر بزرگی بر سرزمین بایر الیوت (۱۸۸۸-۱۹۶۵) گذاشت کتابی کلیدی در اسطوره‌شناسی است در این دوران نگاشته شد. در ادبیات می‌توان نوعی گذار تدریجی تشخیص داد، گذار از

بر انداختن عناصر روایت مذهبی به سوی برساختن مدل های اساطیری جدید. در آثاری چون *بیداری فینیگانها* اثر جیمز جویس^۱ (۱۸۸۲-۱۹۴۱) و همچنین *در جستجوی زمان از دست رفته* مارسل پروست^۲ (۱۸۷۱-۱۹۲۲) می توان اسطوره های تازه خلق شده نویسندگان جدید را یافت. (همان، ۷۰)

ویلیام باتلر ییتس (۱۸۶۵-۱۹۳۹) شاعر ایرلندی تبار، اساطیر ایرلند را در اشعار خود زنده کرد و بر آن بود که نظام اساطیری خویش را بنیان گذارد. جیمز جویس نویسنده ایرلندی با تلفیق و ترکیب اساطیر کهن با اساطیر مربوط به دوقوم مسیحی و یهودی، اسطوره ای همگانی و جهانی پدید آورد که تجربیات تمامی بشریت را در بر می گیرد. در قرن بیستم آندره ژید، آلبر کامو، پل الوار مالارمه و رمبواز اساطیر کهن یونان الهام گرفته و به آن ها جان تازه ای بخشیده اند.

لوی استروس (۱۹۰۸-۲۰۰۹)، پدر مردم شناسی مدرن، رمان را نوعی از روایت می داند که بر مسند اسطوره نشسته است. او در تعریف و تحلیلی که از رمان ارائه می دهد، آن را محصول تنزل یافته و تغییر شکل یافته اسطوره می داند. (جواری، ۱۳۹۰: ۴۴) نانت نوریس^۳ در کتابی به بررسی اسطوره های رمان های ویرجینیا وولف (۱۸۸۲-۱۹۴۱) و دی اچ لارنس (۱۸۸۵-۱۹۳۰) می پردازد. وی نشان می دهد که آثار دی. اچ لارنس، ویرجینیا وولف، جیمز جویس و مارسل پروست مملو از اشارات و تعبیرات اسطوره ای است.

در ادبیات اگزیستانسیالیستی چهره هایی چون فرانتس کافکا^۴ (۱۸۸۳-۱۹۲۴) و آلبر کامو^۵ (۱۹۰۶-۱۹۱۳) دست به خلق و یا بازخوانی اسطوره هایی با ویژگی هایی تازه زدند. قهرمانان سرگشته ای که نمایشی از وضعیت انسان امروزی بودند. نمایشنامه مگس های ژان پل سارتر^۶ (۱۹۰۵-۱۹۸۰) بازخوانی دیگری است از نمایشنامه الکتر

-
1. James Joyce
 2. Marcel Proust
 3. Nanette Norris
 4. Franz Kafka
 5. Albert Camus
 6. Jean-Paul Sartre

وارست، و کامو با افسانه سیزیف روایتی تازه از سرنوشت انسان بیگانه در هستی می دهد. (امن خانی، ۱۳۹۲، ۱۲۸)

در ادبیات پсамدرن، بسیاری نویسندگان در مکتب های ادبی مختلف ظهور کردند که تحت تأثیر آراء و اندیشه های فروید بودند.

در مکتب رئالیسم جادویی آمریکای لاتین نقش اسطوره ها بارز و مشهود است. گابریل گارسیا مارکز^۱ (۲۰۱۴- ۱۹۲۷) در *صد سال تنهایی* از تمامی اسطوره ها و افسانه های آمریکای لاتین وام می گیرد تا فضایی جادویی بیافریند. اسطوره ها در رمان هایی با گرایش پسااستعماری نقش برجسته ای را ایفا کردند. فرانتس فانون (۱۹۶۱- ۱۹۲۵)، چینوا آچه به (۱۹۳۰- ۲۰۱۳)، طیب صالح (۱۹۲۹- ۲۰۰۹) و دیگران با آفریدن رمان هایی پسااستعماری که دربردارنده بسیاری از اساطیر فرهنگی بودند تلاشی برای نزدیکی فرهنگ استعمارگر و استعمارزده کردند.

رمان پсамدرن هم، نقش شگرفی را در انعکاس اسطوره ها و بازپردازی روایت های اسطوره ای ایفا می کند. نویسندگان پсамدرن هم در ساخت و هم در محتوای داستان و رمان از الگوها و مضامین اسطوره ای بسیار بهره برده اند. این داستان ها سرشار از نمادهای اساطیری است و گاه نویسنده در پی رنگ آن به شدت پایبند یک الگوی اسطوره ای است. یکی از دلایل مهم نگاه ویژه و کاملاً متفاوت این گونه داستان ها و رمان ها به بن مایه های اسطوره ای، ضرورتی است که نویسندگان معاصر بنا بر دگرگونی اوضاع اجتماعی و دگرگونی های اساسی اندیشه و نگرش انسان پсамدرن، احساس کرده اند. «از دیدگاه پسامدرنیست ها، اسطوره ها در نشان دادن بی انسجامی و بی وحدتی دنیای معاصر بهتر عمل می کنند، لذا چند پارگی و آشفته نویسی و تعدد و تکثر روایت و راوی اساس کار آنهاست.» (پاینده، ۱۳۸۶: ۳۹).

با ظهور اندیشمندان و اسطوره شناسانی چون رولان بارت سرنوشت اسطوره ها به صورتی دیگر رقم خورد. رولان بارت^۲ (۱۹۸۰- ۱۹۱۵) که تعریف تازه ای از اسطوره ارائه

1. Gabriel Garcia Marquez

2. Roland Barthes.

می‌داد فرهنگ را رسانه‌ای آکنده از اسطوره‌های ساختگی می‌دانست. به گفته وی اسطوره یک گفتار است و گفتار اسطوره‌ای می‌تواند عکس، سینما، گزارش، ورزش، نمایش و تبلیغات باشد.

همان‌گونه که ملاحظه کردید هر نسلی اسطوره‌ها را براساس نیازها، باورها و گاه انگیزش‌های ایدئولوژیک خود دریافت و تأویل می‌کنند. اما آنچه در دنیای معاصر باید در مورد آن هشدار داد چیرگی اندیشه‌های اسطوره‌ای بر نظام خردباوری است که گاه مورد استفاده نظام‌های سیاسی قرار می‌گیرد. ارنست کاسیرر (۱۸۷۴-۱۹۴۵) فیلسوف و تاریخ نگار آلمانی از جمله منتقدان اسطوره‌ای است که همزمان با اوج گیری نازیسم در آلمان، شکل‌گیری اسطوره دولت را هشدار داده بود. وی می‌نویسد که در حکومت‌های توتالیتیر همه وظایفی را که در جوامع بدوی بر دوش جادوگر قرار داشت رهبران اجرا می‌کنند. ابزار اصلی آنها در این کار ایدئولوژی است که آمیخته با اسطوره‌ها و مراسم آیینی است. به بیان دیگر ایدئولوژی‌ها در دنیای امروز همان نقش اسطوره در دنیای کهن را بازی می‌کنند. پل ریکور (۱۹۱۳-۲۰۰۵) هم معتقد است که شماری از شکل‌های تکراری اسطوره خطرناک و ویرانگر هستند. به عنوان مثال اسطوره قدرت مطلق فاشیسم که ضد یهودیت و اندیشه‌ای نژادپرستانه بود با اسطوره بلاگردان و قربانی خود را توجیه می‌نمود. (ریکور، ۱۳۹۰: ۱۰۱)

سخن خود را با گفته‌ای از پل ریکور به پایان می‌رسانم. وی می‌نویسد: «انسان مدرن نه می‌تواند از اسطوره خلاص شود و نه می‌تواند آن را در شکل ظاهری‌اش بپذیرد، اسطوره همواره با ما خواهد بود، اما باید همیشه با آن برخوردی انتقادی داشته باشیم.»

فهرست منابع

- امن خانی، عیسی (۱۳۹۲). *آگزیستانسیالیسم و ادبیات معاصر ایران*، تهران: علمی.
- بودلر شارل (۱۳۹۳) *گل های رنج*، ترجمه محمدرضا پارسایار، تهران: هرمس.
- پاینده، حسین (۱۳۸۶). *مدرنیسم و پسامدرنیسم در رمان*، ویراست دوم. تهران: نیلوفر.
- جعفری، مسعود (۱۳۷۸). *سیر رمانتیسیم در اروپا*، تهران: مرکز.
- جواری محمد حسین (۱۳۸۴) "اسطوره در ادبیات تطبیقی"، *در اسطوره، در ادبیات*، مجموعه مقالات، تهران: سمت.
- ریکور پل (۱۳۹۰) *زندگی در دنیای متن*، ترجمه بابک احمدی، چاپ ششم، تهران: مرکز.
- لووی میشل (۱۳۹۶) *ستاره صبحگاه*، ترجمه رضا اسکندری، تهران: خرد سرخ.
- ولک رنه (۱۳۸۸) *تاریخ نقد جدید*، جلد اول، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.
- ____ (۱۳۸۸) *تاریخ نقد جدید*، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.
- ____ (۱۳۸۵) *تاریخ نقد جدید*، جلد ششم، تهران: نیلوفر.

مقدمه‌ای بر تبیین اسطوره‌های بنیان‌گذار شهر مدرن

از برج بابل تا دون ژوانی

ناصر فکوهی^۱

مقدمه

شهر صنعتی جدید، هم‌تراز با مفاهیمی چون «ملت» و «دولت مدرن» بیش و پیش از هر چیز بر پایهٔ انقلاب‌های فن‌آورانه و سیاسی قرن نوزدهم بنا گذاشته شد و با فرایندهای هنری و ادبی، به‌ویژه رومانتیسم از یک سو و فرایندهای خشونت‌بار برخورد میان فرهنگ‌ها از سوی دیگر تحقق یافت. اما بستر دیگری که از لحاظ تبارشناسی ذهنی و سپس فیزیکی، این شهر را به وجود آورد، فرایندهایی است که به آن‌ها نام «طردها»^۲ اجتماعی و فرهنگی داده‌اند و فوکو بهتر از هر نظریه‌پرداز آن‌ها را در کتاب خود، نظم‌گفتمان (۱۳۹۴) تشریح کرده است. پیر بوردیو نیز با مفهوم «خشونت نمادین»^۳ بر همین فرایندها و به‌خصوص بر شیوه‌های تحقق یافتن عملی آن‌ها تأکید داشته است. بدین ترتیب است که شهر نه در قالبی صرفاً بزرگ شده از روستای پیشین، بلکه بر مجموعه‌ای بزرگ از سلسله مراتب اجتماعی و تغییرات

۱. استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران.

2. exclusion

3. violence symbolique

ریشه‌ای از روابط به وجود می‌آید که برای رسیدن به آن‌ها نیاز به دگرگونی‌های عظیمی در نظام‌های اندیشه و نمادشناسی و نشانه‌شناسی وجود دارد. شهر صنعتی بدین ترتیب واقعیت یافته و تبدیل به آشکال زمانی / فضایی جهان شمول می‌شود. بدون شک فرایندهای استعماری نیز در این جهان شمولیت نقشی اساسی دارند. هرچند امروز بیش از پیش از مفهوم مقاومت فرهنگی سخن گفته می‌شود و متفکری چون والتر مینیولو (۲۰۱۵) از نیاز به فاصله گرفتن از دورویکرد «باز غربی شدن»^۱ - به معنای تعریفی جدید از مدل‌های غربی برای کاربردی شدن‌شان در شهر جهان‌سومی - و «غرب‌زدایی»^۲ - به معنای تمایل به تعریف شهری غیرغربی - سخن می‌گوید، اما واقعیت در آن است که بخش بزرگی از شهر، نه در کالبد‌هایش، بلکه در فرایندها و ذهنیاتی ساخته می‌شود که از اسطوره‌ها و روایت‌های کهن ریشه می‌گیرند و یا به وسیله این روایت‌ها به شهروندان منتقل شده‌اند.

مارشال برمن بهتر از هر کسی این امر را در کتاب خود، تجربه مدرنیته (۱۳۷۹)، در زمینه بازنمایی‌ها و بنیان‌های ادبی شهر مدرن نشان داده است. بنابراین، کالبد‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را به خودی خود نمی‌توان تنها شرایط تحقق شهر جدید دانست. پرسش اکنون این است که چرا و چگونه این شکل و محتوای زیستی توانست در کمتر از یک قرن، بدل به شکلی جهانی شود و فرهنگ‌هایی به شدت دور را با یکدیگر ادغام کند؛ و لو این ادغام با اتکا به فرایند استعماری انجام گرفته باشد. درحقیقت شکی نیست که فرایندهای فرهنگ‌پذیری آمرانه‌ای که در استعمار با آن‌ها روبرو بودیم از این لحاظ بسیار مؤثر بوده‌اند، اما آن‌چه در این مقاله کوتاه به مثابه نوعی طرح مسأله و تلاش برای ارائه نخستین عناصر پاسخ، قصد ارائه آن را داریم، پرداختن به عناصر و اندیشه‌های اسطوره‌ای هستند که می‌توان آن‌ها را روایات و اسطوره‌های بنیان‌گذار شهر مدرن صنعتی دانست.

در این شهر، امروز، اسطوره‌هایی چون «دانش» و «پیشرفت»، «اندیشمندی»، «روشنفکری»، «شرق / غرب»، «جهانی شدن» و ... به مثابه مفاهیمی «بدیهی» و

1. rewesternization

2. dewesternization